



بیلا حسین زاده

تپش

قلمچماق و گنده‌لانی پر از نقش‌ونگار تتو روی سروصورت و دست و بازو از راه برسد و با ضربه قمه و چاقو خونی بریزد. حالا کار به جایی رسیده که حتی یک نوجوان هم به‌راحتی در کوچه و خیابان قمه می‌کشد و نفس‌کش می‌طلبد؛ صحنه‌ای عجیب که شاید خیلی‌ها آن را باور نکنند اما حقیقتی است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت و موارد آن هم زیاد است. چندی پیش سرهنگ فرج شجاعی، فرمانده انتظامی شیراز اعلام کرد دو نوجوان ۱۶ساله به‌دلیل اختلافات شخصی با هم درگیر شدند و یکی از آنان دیگری را با ضربات متعدد چاقو به‌سختی مجروح کرد. شدت ضربه‌ها به حدی کاری بود که با وجود انتقال نوجوان زخمی به مرکز درمانی، جان‌اش را از دست داد. قبل از این ماجرا و اواخر دی‌ماه امسال هم قمه‌کشی دو نوجوان ۱۷ساله، اهالی خیابان رسالت ۷۱ در مشهد را وحشت‌زده کرد. هر دو پسر با قمه نیم‌متری روی پنج خودرو خط می‌انداختند و جو آرام محل را به هم ریخته بودند. اهالی در تماس با پلیس ۱۱۰ درخواست کمک کردند و خیلی طول نکشید که مأموران کلانتری خواجه ربیع مشهد عازم محل شدند اما هر دو فرار کرده بودند که البته این فرار آنها خیلی طول نکشید و مأموران رد یکی از متهمان را زدند. او پس از دستگیری، در بازجویی‌ها اعتراف کرد که به‌دلیل اختلاف با فردی در خیابان رسالت تعدادی خودرو را تخریب کرد تا از او انتقام بگیرد. با اعتراف او، همدستش هم دستگیر و هر دو تحویل مراجع قضایی شدند. برای بررسی ریشه‌های کاهش سن مرتکبان خشونت در کشور سراغ سیدحسین موسوی چلک، رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران رفتیم و او در این باره توضیح داد.

*قبل‌قمه‌کشی بیشتر توسط ارادل و اوباش خیابانی انجام می‌شد اما حالا

می‌بینیم که نوجوانان هم دست به قمه می‌برند. علت این مسأله چیست؟

یکی از وجوه مشخصه جامعه حال حاضر، حداقل براساس آنچه در برخی آمارهای رسمی و مشاهدات می‌بینیم، اعمال رفتارهای خشونت‌آمیز توسط مردم نسبت به یکدیگر است. با ظهور و بروز بیشتر این رفتارها در جامعه، نوجوانان و جوانان نیز از این رفتارها برای رسیدن به اهداف خود الگو می‌گیرند و به اشکال مختلف انواع خشونت‌ها را اعمال می‌کنند. این خشونت گاهی به شکل سوزاندن، قمه‌کشی، کنک‌زدن و... خود را نشان می‌دهد و اگر به یاد داشته باشید چند سال پیش هم دختر نوجوانی در اصفهان اقدام به قمه‌کشی کرد که جنجال زیادی به همراه داشت.

گاهی مواقع نیز این خشونت‌ها ممکن است عاطفی و روانی و به شکل تمسخر، تهدید، تحقیر و مصادیقی از این دست بروز کند. گاهی نیز امکان دارد خشونت جنسی به صورت مختلف رخ دهد یا از روی غفلت رفتاری صورت گیرد.

آنچه در مشهد اتفاق افتاد از نوع خشونت فیزیکی است که در حوزه وندالیسم و تخریب اموال مردم می‌گنجد. برای تحلیل بهتر این موضوع و بررسی رفتارهای خشونت‌آمیز باید اطلاعاتی از این دو نوجوان مانند سابقه و گذشته، وضعیت خانواده، محیط زندگی آنها و مؤلفه‌های تأثیرگذار دیگر در اختیار داشته باشیم تا براساس آن موضوع را ریشه‌یابی کرده و اظهارنظر کنیم. در حال حاضر به این موارد دسترسی نداریم اما می‌توان گفت در مواردی نوجوانان از روی کنجکاوی، انتقام و تجربه برخی ناکامی‌ها، مثلاً این‌که می‌بینند فردی از خودروی خوبی استفاده می‌کند، به‌نوعی عقده‌های درونی‌شان را با تخریب اموال شخصی مردم تخلیه کنند.

نکته مهم دیگر، میزان سلامت روانی و اجتماعی کودکان و نوجوانان است که به اعتقاد من تا حدودی دوره نوجوانی به حال خود رها شده است. برای این دوره مهم، نه در نظام آموزش و پرورش و نه در سایر محیط‌هایی که کودکان و نوجوانان می‌توانند با حضور در آن آموزش ببینند و یاد بگیرند، برنامه‌چندانی نداریم، در نتیجه این حوزه، حوزه کم‌رنگی است. البته نمی‌خواهم بگویم اصلاً هیچ برنامه‌ای نداریم اما به تناسب اهمیت این حوزه و نقشی که این دوران در شکل‌گیری شخصیت نوجوانان دارد، اقدامات قابل توجهی صورت نگرفته است. نتیجه کم‌توجهی به این حوزه بسیار مهم، بروز اتفاقات ناهنجاری است که در حال حاضر شاهد آن هستیم. ضمن این‌که بچه‌ها به‌دلیل سرعت یادگیری بالا، به‌راحتی رفتارهای خشونت‌آمیز را با شیوه‌های مختلف یاد گرفته و ممکن است در مواقعی این رفتارها را اعمال کنند.

گاهی رفتارهای خشونت‌آمیز در گروه‌های فیزیکی یا مجازی ترویج می‌شود که می‌تواند نوجوانان را به اعمال این‌گونه رفتارها تشویق و ترغیب کند. البته مطالعه سوابق این افراد به دقت‌تر شدن تحلیل‌ها کمک می‌کند اما پاسخ‌های ما به‌واسطه این‌که اطلاعاتی از وضعیت خانوادگی، روانی، اجتماعی، اقتصادی و... این افراد در اختیار نداریم، کلی‌تر است، ولی واقعیت این است که حوزه سلامت روانی اجتماعی یک حوزه تقریباً رها شده در جامعه است. وقتی فردی با فرد دیگر مشکل پیدا می‌کند، با بهره‌گیری از مهارت حل مسأله، کنترل خشم و تصمیم‌گیری می‌تواند موضوع را رفع و رجوع کند اما سؤال این است که یک نوجوان این مسائل و مهارت‌ها را در کجا باید آموزش ببیند. بخشی از این آموزش‌ها در خانه و مهدکودک و مدرسه ارائه می‌شود که البته نقش مدرسه در یادگیری این آموزش‌ها بسیار قابل توجه است. البته در مواردی خانواده نه‌فقط هیچ کمکی به آموزش مهارت‌ها به کودک و نوجوان

تپش دلایل افزایش خشونت توسط چاقو و قمه کاغذ و خو

نمی‌کند، بلکه به‌واسطه وجود شرایط نابسامان،

درگیری و رواج خشونت در درون خانواده، فرزندان این رفتارها را آموزش دیده و در ذهن او این‌طور ثبت می‌شود که با اعمال خشونت می‌توانم به خواسته‌های خودم دست پیدا کنم یا از مردم یا کسانی که به هر نحوی با آنها مشکل دارم، انتقام بگیرم.

۱ آیا حوزه خانواده، مدرسه و جامعه هم با حوزه رهاشدگی مواجه است؟

پس از دوران کرونا، افسار از دست بسیاری از خانواده‌ها رها شد و در حال حاضر، سبک جدیدی از زندگی در اکثر جوامع ازجمله جامعه ما در حال جالفتادن است. ارتباطاتی که قبلاً در درون خانواده‌ها وجود داشت، شکل و شمایل خود را تا حدی از دست داده و کودکان و نوجوانان هم اطلاعات خود را از گروه‌های مجازی دریافت می‌کنند. البته نمی‌خواهم بگویم فضای مجازی را باید بست. در مجموع مخالف این موضوع هستم و هر نوع فضای مجازی باید در دسترس عموم باشد اما مشکل این است که سواد درست رسانه‌ای و دانش استفاده از فضای مجازی را نداریم. ضمن این‌که شرایط کلی جامعه هم به گونه‌ای است که مهر و محبت میان مردم حتی در درون خانواده‌ها هم کاهش یافته که این مسأله می‌تواند در بروز رفتارهای ناهنجاری که هم‌اکنون در جامعه شاهد آن هستیم، تأثیرگذار باشد. مصادیق مختلف خودکشی، آزارهای مجازی، انتشار عکس‌های غیرمرتبط توسط نوجوانان در فضای مجازی و اتفاقات مشابه که به‌کرات در فضای مجازی شاهد آن هستیم، نشان می‌دهد حال عمومی جامعه در حوزه سلامت روان اجتماعی خوب و مطلوب نیست.

۲ آیا نوجوانانی که چنین خشونت‌هایی را تجربه می‌کنند، درکی

از ناهنجار بودن عمل‌شان دارند؟

بچه‌های امروزی بچه‌های آگاه‌تری نسبت به نسل ما هستند، زیرا چرخش اطلاعات با سرعت زیادی در جریان است و در عین حال، آنها نقش‌های بیشتر و حضور اجتماعی پررنگ‌تری دارند. البته گاهی ممکن است تحت تأثیر احساسات، استرس‌ها و هیجان‌ها قرار بگیرند و توان کنترل آن را نداشته باشند اما این بچه‌ها نسبت به بچه‌های دهه قبل آگاه‌تر

عکس ترنیشی است

